

تحلیل قانونی رابطه بین والدگری پدر و استقلال عاطفی فرزند

آسیه امیدوار طهرانی^۱، محمدحسین خانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۵

چکیده

از سال ۱۹۸۶ که استنبرگ و سیلوربرگ برای اولین بار اصطلاح استقلال عاطفی را برای جدایی عاطفی نوجوان از والدین شان به کار بردند؛ در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر آن، پژوهش‌های زیادی صورت گرفت. با این وجود، مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد در ارتباط با تأثیر والدگری پدر پژوهشی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه والدگری پدر با استقلال عاطفی فرزند انجام شد؛ بدین صورت که ۴۱۴ نفر از دانش‌آموزان سال اول مقطع دبیرستان شهرستان بهارستان در استان تهران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و به فرم‌های ایرانی مقیاسهای والدگری پدر دیک و استقلال عاطفی استنبرگ و سیلوربرگ پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل همبستگی بنیادی و با استفاده از نرم افزارهای SPSS 18 و STATGRAPHICS 5.1 مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل کانونی، تنها یک مجموعه معنادار بین والدگری پدر و استقلال عاطفی فرزند نشان داد. بر اساس این مجموعه، متغیرهای پیش‌بین "پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر" و "حضور منفی پدر" با متغیرهای ملاک "فردیت" و "غیر ایده‌ال بودن" رابطه‌ای ۰/۶۰ داشته و ۰/۳۰ واریانس آن را تبیین می‌کردند. این یافته بیانگر این است که هرچه پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر بیشتر بوده و حضور منفی او کمتر باشد؛ فرزند به فردیت و غیر ایده‌ال بودن بیشتری که از ملاک‌های اساسی استقلال عاطفی است دست پیدا خواهد کرد.

واژگان کلیدی: والدگری پدر، استقلال عاطفی، تحلیل کانونی

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، asiemidvartehrani@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، khani1367@gmail.com

مقدمه

بنابر عقیده روانشناسان رشد، فرایند پختگی نوجوان، طولانی‌ترین و دشوارترین چرخه زندگی خانوادگی را تشکیل می‌دهد. نوجوانی زمان تغییرات مهیج جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است و اغلب با افزایش احساسات منفی در نوجوان مرتبط است (استالمن^۱ و رالف^۲، ۲۰۰۷). در این دوره، فرد باید فعالیت‌های زیادی انجام دهد؛ وی باید نقش‌های مرتبط با هویت جنسی خود را بپذیرد، شبکه اجتماعی تشکیل دهد، استقلال مالی به دست آورد، ارزش‌های خود را انتخاب کند، در جهت انتخاب شغل گام بردارد و وابستگی عاطفی به والدین خود را تنظیم کند (برجلی، ۱۳۸۴). اریکسون بر این باور است که شکل‌گیری یک هویت پخته، زمینه صمیمیت با دیگران را فراهم می‌کند، صمیمیتی که در آن ترس از دست دادن هویت در دیگری وجود ندارد. این صمیمیت، سپس ظرفیت تعاملات دوجانبه بر پایه احترام و اعتماد را فراهم می‌آورد (کروگر^۳، ۱۹۸۵). بنابراین، در نوجوانی لازم است که یک فرآیند جدایی و تفرّد به وقوع بپیوندد که در آن نوجوان به استقلال عاطفی در روابط دست یابد. روابطی که با جدایی روانی و تمایز میان خود و دیگری مشخص می‌شود.

استقلال عاطفی^۴، یکی از تکالیف تحولی مرکزی در دوره نوجوانی می‌باشد؛ زیرا که استقلال با شکل‌گیری هویت و تفرّد^۵ نوجوان پیوندی نزدیک دارد و نقش مهمی در انتقال نوجوان به بزرگسالی و پذیرش نقش‌های آن ایفا می‌کند (فلمنگ^۶، ۲۰۰۵). استقلال عاطفی، به عنوان فرایندی توصیف شده است که توسط آن افراد از وابستگی خود به والدین چشم می‌پوشند و شروع به گسترش یک ادراک بالغانه‌تر، واقعی‌تر و متعادل‌تر از والدین خود و نقش‌های خود می‌کنند (بیرز^۷ و گوسسنز^۸، ۲۰۰۲؛ ریان^۱ و لینچ^۲، ۱۹۸۹). در

1. Stalman
2. Ralph
3. Kroger
4. Emotional Autonomy
5. Individuation
6. Fleming
7. Beyers
8. Goossens

این راستا، محققان دیدگاه روانکاوی، (بلاس^۳، ۱۹۶۷) استقلال عاطفی را فرایند جدایی (تفرّد دوّم) می‌نامند و آن را به صورت جدایی عاطفی و جسمانی مثبت از خانواده تعریف کرده‌اند. بر طبق نظر آن‌ها، برای یک نتیجه سازگارانه، نوجوانان باید یک حس ناوابستگی^۴ نسبت به والدین خود پیدا کرده و به یک تفرّد شخصی دست یابند؛ هم‌چنین اریکسون بر این باور است که شکل‌گیری یک هویت پخته که زمینه را برای صمیمیت با دیگران فراهم می‌کند، منوط به دست یافتن نوجوان به استقلال عاطفی است (کروگر^۵، ۲۰۰۴).

اهمیت استقلال عاطفی در دوره نوجوانی، موجب علاقه روزافزون پژوهشگران به پژوهش در این حوزه شده است؛ به گونه‌ای که پژوهش‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی از استقلال عاطفی را مورد بررسی قرار داده‌اند (چان^۶ و چان^۷، ۲۰۰۹؛ لامبورن^۸ و استنبرگ، ۱۹۹۳؛ فرنک^۹، پیرسج^{۱۰} و رایت^{۱۱}، ۱۹۹۰). با این وجود، یکی از عوامل تأثیرگذار و مهم بر استقلال عاطفی که کمتر مورد توجه قرار گرفته و مرور دقیق پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که تاکنون در ایران در این رابطه پژوهشی صورت نگرفته است نقش والدگری پدر می‌باشد. اگرچه در بحث پیرامون نقش والدین در بافت خانواده، همواره نگاه‌ها و بررسی‌ها معطوف به جایگاه و نقش مادر بوده است و به نقش پدر کمتر توجه شده است؛ اما این کم‌توجهی به معنای کم‌اثر بودن نقش پدر در ساختار خانواده نیست. به گونه‌ای که ماهلر^{۱۲} (۱۹۷۴) در نظریه روابط شیء خود بر نقش پدر در دوران پیش‌ادیبی اشاره نموده و بر این باور است که پدر به شیوه مثبتی بر تسهیل چالش جدایی-تفرّد کودک از مادر،

1. Ryan
2. Lynch
3. Blos
4. non-dependency
5. Kroger
6. Wai chan
7. Mui chan
8. Lamborn
9. Frank
10. Pirsch
11. Wright
12. Mahler

تأثیرگذار است. همچنین آبلین^۱ (۱۹۷۵) توضیح می‌دهد از آنجا که پدر به طور طبیعی نخستین فردی است که کودک خارج از دنیای همزیستی خود با مادر مشاهده می‌کند، حضور وی این فضا را برای کودک فراهم می‌آورد که رابطه دوفرد مادر و پدر را مستقل از خود و تمایلات و نیازهای خود مشاهده نماید. این تجربه اگرچه غالباً با ناکامی همراه است اما به کودک کمک می‌نماید که ظرفیت شناسایی و تجربه خود به عنوان فردی با نیازها و آرزوهای مستقل را به دست آورد (شیلدز^۲، ۲۰۰۳).

طی چند دهه اخیر، جامعه روانشناسی بیش از پیش بر نقش پدران بر حیات روانی نوجوانان تمرکز نموده است؛ که این امر ناشی از تغییرات جامعه مدرن می‌باشد. تغییر الگوهای ازدواج و طلاق، ورود زنان و مادران به عرصه‌های شغلی و اجتماعی، گسترش جنبش‌های زنان با تأکید بر تساوی حقوق و افزایش حضور مردان در زندگی خانوادگی پرسش‌های گوناگونی را در زمینه تأثیرات مثبت و مخرب پدران بر زندگی فرزندان نوجوانان برانگیخته است (پلانتین^۳، اوکویالا^۴ و نی^۵، ۲۰۱۱). نتیجه این پرسش‌ها، شواهد روزافزون مبنی بر اهمیت ویژه تأثیر رفتارهای پدران بر بهبودی و رشد نوجوانان و گذار آن‌ها به دوران بزرگسالی بوده است.

پدران در جوامع امروزی به چند طریق در فرایند رشد نوجوان مداخله می‌نمایند (فلوری^۶، ۲۰۰۵). نخست اینکه پدر به عنوان یک منبع حمایت هیجانی برای نوجوان در رشد و تربیت وی تأثیری مستقل از مادر دارد؛ دوم آنکه پدر به عنوان منبع حمایتی مادر، بر سلامت روان مادر و در نتیجه به طور غیرمستقیم بر بهداشت روانی نوجوان تأثیر بارزی دارد و در آخر، نوع تعاملات پدر-نوجوان با نوع تعاملات مادر-نوجوان متفاوت است و به همین دلیل جنبه‌های دیگری از رشد را در نوجوان برمی‌انگیزد. برای نمونه پدران بیش از

1. Abelin
2. Shields
3. Plantin
4. Olukoy
5. Ny
6. Wellbeing
7. Flouri

مادران زمینه فعالیت‌های رقابتی و استقلال را برای نوجوانان فراهم می‌آورند و زمان بیشتری را صرف امور فعالیت‌های بیرون از خانه و اشتغال می‌نمایند (دادستان، ۱۳۸۰).

در پژوهش حاضر، منظور از والدگری پدر، ادراک فرد از میزان پاسخ‌دهی عاطفی پدر خویش بر مبنای تجارب شخصی وی در طی زمان رشد می‌باشد (دیک^۱، ۲۰۰۴). این سازه با توجه به نمره‌ای که فرد در مقیاس والدگری پدر بدست می‌آورد عملیاتی می‌شود. در مجموع فرض بر این است که پدر می‌تواند با پاسخ‌دهی عاطفی و حضور مثبت و همچنین تأمین‌کنندگی خویش فرایند جدایی-فردیت ثانویه را در نوجوان تسهیل کند و منجر به سازگاری هرچه بیشتر نوجوان در این دوره گردد (بالس^۲، ۱۹۹۹). همچنین پدر می‌تواند در دستیابی نوجوان به بهبود روانشناختی به عنوان یک بزرگسال نقش مهمی داشته باشد (هافمن^۳، ۱۹۸۴). پرواضح است که این تأثیرات می‌تواند منجر به استقلال عاطفی هرچه بیشتر نوجوان گردد.

در قلمرو نظری، پیشگام نظریه پردازی در ارتباط با تأثیرات پدر بر استقلال عاطفی فرزند، دیدگاه‌های لکان^۴ می‌باشد. به باور لکان، ناهشیار همانند سیستم زبان، ساخت می‌یابد و نقش پدر به مثابه قوانین ساختار زبان عمل می‌کند، به این ترتیب که پدر وارد رابطه وهمی و خیالی میان مادر و کودک شده و با ایجاد نوعی محدودیت و حریم در این ارتباط، آن را درهم می‌شکند (اچگاین، ۲۰۰۲). لکان توضیح می‌دهد که کودک برای اولین بار، پدر را به عنوان مانعی در برابر ادامه درآمیختگی با مادر تجربه می‌کند. در واقع، پدر با ورود خود، لذت‌جویی کودک از مادر را تحریم می‌نماید و بدین طریق زمینه را برای استقلال هر چه بیشتر کودک فراهم می‌آورد (موللی، ۱۳۸۳). لکان توضیح می‌دهد که پدر در سراسر دوره تحول کودک به نقش آفرینی می‌پردازد. او معتقد است پدر در دوره نوجوانی با داشتن انتظارات متفاوت و اعمال قدرت به شیوه‌ای متفاوت از مادر زمینه را برای استقلال هرچه بیشتر نوجوان فراهم می‌سازد (اچگاین، ۲۰۰۲). در این راستا آبلین

-
1. Dick
 2. boles
 3. Hoffman
 4. Lacan

(۱۹۷۱) نیز معتقد است حضور پدر محیطی امن و حمایت‌کننده فراهم می‌کند تا در پناه آن مادر احساس اضطراب کمتری داشته باشد و کودک را ترغیب به تلاش برای جدا شدن از خود کند (به نقل از لمب و لموندا، ۱۹۹۷). در حقیقت پدر با به عهده گرفتن نقش «دیگری دوم»^۱، زمینه احساس امنیت در جهت دور شدن از وابستگی به مادر را برای کودک فراهم می‌سازد. پدر در دوره نوجوانی با فراهم کردن موقعیت‌های شغلی و آشنا ساختن نوجوان با محیط بیرون از خانواده می‌تواند زمینه استقلال نوجوان را فراهم آورد؛ هرچند که اگر پدر در راستای این نقش‌ها کوتاهی ورزد و به نیازهای ویژه این دوران توجه نکند این امر موجب احساس ناامنی نوجوان شده و این خود در فرآیند تفرّد و استقلال نوجوان خلل ایجاد می‌کند (گرینسپن^۲، ۱۹۸۲؛ به نقل از سیبر^۳، ۲۰۰۸). هم‌چنین، مسترسون^۴ (۱۹۸۱) بر پایه نظریات ماهرلر توضیح می‌دهد شکل‌گیری بازنمایی درونی والدین و به ویژه پدر، به کودک یاری می‌رساند تا به سمت احساس جدا بودن و استقلال از مادر و دستیابی به تصویر خودی منسجم حرکت نماید.

پژوهش حاضر، اولین کوشش در جهت بررسی رابطه بین والدگری پدر و استقلال عاطفی فرزند در ایران به شمار می‌رود. این پژوهش با گردآوری داده‌هایی در زمینه والدگری پدر و استقلال عاطفی فرزند به دنبال یافتن پاسخی برای چگونگی ارتباط بین این دو سازه می‌باشد؛ بویژه این پژوهش در پی روشن کردن این موضوع است که برای فهم و تبیین رابطه بین دو مجموعه از متغیرهای مورد بررسی یعنی والدگری پدر (پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر، حضور مثبت پدر، تأمین‌کنندگی، حضور منفی پدر) و استقلال عاطفی فرزند (فردیت، عدم وابستگی، غیر ایده‌ال بودن) چند بُعد این روابط احتمالی ضروری است. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از آیا ابعاد والدگری پدر قادر به پیش‌بینی استقلال عاطفی فرزند می‌باشد؟ و این که چند بعد به منظور روشن کردن رابطه احتمالی بین دو مجموعه از متغیرهای پژوهش لازم است؟ بدین ترتیب فرضیه

-
1. second other
 2. Grinespen
 3. Sieber
 4. Masterson

پژوهش بدین صورت بیان می‌شود که بین: والدگری پدر (پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر، حضور مثبت پدر، تأمین‌کنندگی، حضور منفی پدر) و استقلال عاطفی فرزند (فردیت، عدم وابستگی، غیر ایده‌آل بودن) رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، در قالب تحقیق پیمایشی که یکی از انواع تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) می‌باشد انجام گرفته است. طرح پژوهش، از نوع همبستگی بنیادی یا کانونی^۱ می‌باشد. زیرا هدف این پژوهش، پی بردن به تغییرات چندین متغیر ملاک «استقلال عاطفی فرزند» بر اساس متغیرهای پیش‌بین «والدگری پدر» می‌باشد. از آن جایی که متغیر ملاک از یک مجموعه سه‌متغیری از استقلال عاطفی فرزند تشکیل شده است، که از لحاظ نظری با یکدیگر ارتباط دارند، در این حالت استفاده از روش رگرسیون امکان‌پذیر نیست. همچنین به جهت نبود سابقه پژوهش در زمینه بررسی والدگری پدر و استقلال عاطفی فرزند، تحلیل همبستگی کانونی امکان کشف روابط جالب و پیچیده را بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین فراهم می‌سازد. (هومن، ۱۳۸۵ به نقل از قلاوندی، ساری گلو و بابایی سنگلجی، ۱۳۹۱). بنابراین از روش تحلیل همبستگی بنیادی برای بررسی رابطه بین مجموعه یا ابعاد والدگری پدر با مجموعه یا ابعاد استقلال عاطفی فرزند استفاده شد. برای تحلیل از نرم افزارهای SPSS 18 و STATGRAPHICS 5.1 استفاده گردید.

جامعه هدف این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع اول دبیرستان شهرستان بهارستان (از توابع تهران) بوده که در سال ۹۱-۹۲ به تحصیل اشتغال داشتند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: سن ۱۵-۱۶ سال، رضایت برای شرکت در مطالعه، تجربه زندگی در کنار پدر و در قید حیات بودن وی. حجم نمونه ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان سال اول مقطع دبیرستان شهرستان بهارستان در استان تهران بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که در مرحله اول تعداد ۴ دبیرستان پسرانه و ۴ دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شده و در مرحله بعدی از میان کلاس‌های موجود به

1. Canonical Correlation

صورت تصادفی ۲ کلاس انتخاب شده و در نهایت پرسشنامه بین همه دانش‌آموزان کلاس ارائه شد، به علت امکان وجود پرسشنامه غیرمعتبر این تعداد را به ۴۵۰ نفر افزایش داده و در نهایت پس از حذف پرسشنامه‌های فاقد اعتبار تحلیل‌ها بر روی نمونه‌ای ۴۱۴ نفری انجام شد.

ابزارهای اندازه‌گیری: از دو پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها و سنجش متغیرها در این پژوهش استفاده شده است:

الف) مقیاس والدگری پدر (FS)^۱ مقیاس والدگری پدر دیک (۲۰۰۴) دارای ۶۴ آیت‌م به شکل جملات توصیفی است که آزمودنی باید بر حسب ادراکی که از رابطه با پدر خود در طی دوران رشد دارد پاسخ‌هایش را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هیچگاه تا همیشه درجه‌بندی کند (دیک، ۲۰۰۴). فامینی (۱۳۹۱) این پرسشنامه را به فارسی برگردانده است. فرم ایرانی مقیاس پدری دارای ۵۳ ماده به شکل جملات توصیفی است. آزمودنی باید بر حسب ادراکی که از رابطه با پدر خود در طی دوران رشد دارد، پاسخ‌هایش را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هیچ‌گاه تا همیشه درجه‌بندی کند. آلفای کرونباخ مقیاس پدری در فرم فارسی برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و این مقدار برای خرده‌مقیاس پاسخدهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی ۰/۹۶، برای حضور مثبت پدر ۰/۸۵، تأمین‌کنندگی ۰/۶۷ و برای حضور منفی پدر ۰/۷۹ می‌باشد (فامینی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای چهار خرده‌مقیاس آن به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۷۴، ۰/۷۳، و ۰/۶۸ محاسبه گردید.

ب) مقیاس استقلال عاطفی^۲: مقیاس استقلال عاطفی را استنبرگ و سیلوربرگ^۳ (۱۹۸۶) ساخته‌اند و سامانی (۱۳۸۱) آن را در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ایران که در دامنه ۱۵ تا ۱۸ سال قرار داشتند اعتباریابی نموده است. این مقیاس دارای ۱۳ پرسش چهارگزینه‌ای و دربردارنده سه عامل تفرد، عدم وابستگی و غیرایده آل بودن می‌باشد. اعتبار عوامل این

-
1. Fatherhood Scale
 2. Emotional Autonomy Scale
 3. Steinberg & Silverberg

مقیاس به شیوه بازآزمایی به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۶۴ و ۰/۶۱ محاسبه گردید (سامانی، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاد از آلفای کرانباخ برای کل مقیاس ۰/۷۷ و برای سه خرده مقیاس آن به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۷۱، و ۰/۶۷ محاسبه گردید.

یافته‌ها

از کل آزمودنی‌ها (۴۱۴ نفر)، ۲۰۶ نفر آن‌ها زن (۴۹/۸ درصد) و ۲۰۸ نفر (۵۰/۲ درصد) دیگر مرد بوده؛ میانگین سنی آن‌ها در حدود ۱۵/۵ سال می‌باشد. قبل از بررسی رابطه متغیرهای پژوهش، نتایج بررسی شاخص‌های کجی و کشیدگی نشان داد که توزیع داده‌ها به صورت نرمال است. قبل از بررسی فرضیات مقتضی است، همبستگی‌های بین متغیرهای پژوهش بررسی مختصری شود. جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر (۱)	۱/۰۰						
حضور مثبت پدر (۲)	۰/۶۱**	۱/۰۰					
تأمین‌کنندگی (۳)	۰/۵۴**	۰/۳۱**	۱/۰۰				
حضور منفی پدر (۴)	-۰/۳۰**	-۰/۱۰*	-۰/۳۰**	۱/۰۰			
فردیت (۵)	۰/۲۱**	۰/۱۲*	۰/۱۶**	-۰/۱۹**	۱/۰۰		
عدم وابستگی (۶)	۰/۳۹**	۰/۲۱**	۰/۲۰**	-۰/۱۹**	۰/۳۱**	۱/۰۰	
غیر ایده‌آل بودن (۷)	۰/۵۶**	۰/۲۹*	۰/۳۹**	-۰/۳۱**	۰/۲۴**	۰/۵۵**	۱/۰۰

$P < 0/01$ **, $P < 0/05$ *

همانگونه که جدول ۱ نشان می‌دهد بین حضور منفی پدر و کلیه متغیرهای پژوهش رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. هم‌چنین می‌توان گفت بین مؤلفه‌های والدگری پدر با استقلال عاطفی فرزند در برخی موارد در سطح ۰/۰۵ و در برخی موارد در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین مجموعه والدگری پدر (پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر، حضور مثبت پدر، تأمین‌کنندگی، حضور منفی پدر) با استقلال عاطفی فرزند (فردیت، عدم وابستگی، غیر ایده‌ال بودن) از تحلیل همبستگی بنیادی استفاده شد. این تحلیل یکی از اعضای تکنیک‌های آماری خطی چندمتغیری می‌باشد که به نوعی می‌توان آن را گسترش یافته تحلیل همبستگی چندمتغیری در نظر گرفت (هومن، ۱۳۸۱). در جدول ۲ نتایج تحلیل کانونی گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل همبستگی کانونی رابطه مجموعه والدگری پدر با مجموعه استقلال عاطفی فرزند

مجموعه	ارزش ویژه	همبستگی کانونی	لامبدا ویلکز	خی دو	درجه آزادی	معنی‌داری
۱	۰/۳۶	۰/۶۰	۰/۶۲	۱۹۰/۸۱	۱۲	۰/۰۰۰۰
۲	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۹۸	۷/۳۱	۶	۰/۲۹۲۴
۳	۰/۰۰۴	۰/۰۶	۰/۹۹	۱/۹۲	۲	۰/۳۸۱۸

آن چنان که جدول ۲ نشان می‌دهد لاندای ویلکز به منظور آزمون این فرضیه صفر که بین دو مجموعه بعد از استخراج متغیرهای بنیادی قبلی (اگر وجود داشته باشد) همخوانی پس ماند وجود ندارد، بکار می‌رود. برای آزمون معنادار بودن، مقادیر مجذور کای در ستون بعدی ارائه شده است (هومن، ۱۳۹۱). آماره خی دو برای مجموعه اول (۱۹۰/۸۱)، مجموعه دوم (۷/۳۱) و مجموعه سوم (۱/۹۲) می‌باشد که تنها برای متغیرهای مستقل و وابسته مجموعه اول در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین با توجه به این یافته می‌توان نتیجه گرفت که یک مجموعه معنادار از متغیرهای مستقل و وابسته در داده‌ها وجود دارد. رابطه برای مجموعه اول ۰/۶۰ بوده و معنای این ضرایب معادل با ضرایب همبستگی ساده (پیرسون) می‌باشد. رابطه مجموعه دوم و مجموعه سوم به ترتیب ۰/۱۱ و ۰/۰۶ می‌باشد که معنادار نیست. مجذور همبستگی‌های کانونی، معادل ارزش ویژه می‌باشد که معرف مقدار واریانس تبیین شده یک متغیر بنیادی توسط متغیرهای بنیادی دیگر است.

بنابراین مجموعه اول والدگری پدر می‌تواند به شکل معناداری ۰/۳۶ از واریانس مجموعه استقلال عاطفی فرزند را تبیین کند همچنین با توجه به جدول ۲ در بقیه موارد ارتباط معناداری وجود ندارد.

زمانی که یک مجموعه معنادار می‌گردد بررسی این که این مجموعه از چه متغیرهای مستقل و وابسته‌ای تشکیل شده و نحوه ارتباط و اهمیت آن‌ها چگونه است ضروری است. جهت این امر نیازمند وزن‌های کانونی هستیم. جدول ۳ وزن‌های کانونی مجموعه معنادار اول را نشان می‌دهد.

جدول ۳. وزن‌های کانونی برای مجموعه معنادار

مجموعه اول		
۰/۸۶	پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر (۱)	متغیرهای
-۰/۱۰	حضور مثبت پدر (۲)	پیش‌بین
۰/۱۴	تأمین‌کنندگی (۳)	
-۰/۳۱	حضور منفی پدر (۴)	
۰/۳۶	فردیت (۵)	متغیرهای
۰/۱۱	عدم وابستگی (۶)	ملاک
۰/۸۷	غیر ایده‌آل بودن (۷)	

وزن‌های کانونی، ارقامی استاندارد شده‌اند که بین صفر تا ۱ تغییر می‌کنند و به همین دلیل به نام ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده خوانده می‌شوند و تا اندازه‌ای نمایانگر همبستگی‌های تفکیکی هر متغیر از ریشه کانونی مربوطه هستند. به عبارت دیگر، وزن‌های کانونی با بار عاملی در تحلیل عاملی تفسیر یکسانی دارند. ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده، اهمیت نسبی هر یک از متغیرهای اصلی را در محاسبه مقدار کانونی هر یک از متغیرهای کانونی نشان می‌دهد. وزن‌های کانونی یا همان ضرایب کانونی مانند مقادیر بتا در تحلیل رگرسیون هستند. برای شناسایی متغیرهای معنادار در مجموعه‌ها یا متغیرهای کانونی، تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) پیشنهاد می‌کنند که بار کانونی ۰/۳۰ و بیشتر هر متغیر نشانه معنادار بودن آن در مجموعه خویش است. بنابراین متغیرهای معنادار در مجموعه اول

شامل پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر، حضور منفی پدر، فردیت و غیر ایده‌ال بودن می‌شود و این گونه تفسیر می‌شود که هرچه پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر بیشتر بوده و حضور منفی او کمتر باشد فرزند به فردیت و غیر ایده‌ال بودن بیشتری دست پیدا خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

نوجوانی دوره‌ای حیاتی در رشد انسان است که خود را در سطوح اجتماعی، روانشناختی و زیستی نشان می‌دهد. این دوره پایان دوره کودکی و آغاز رشد فرد می‌باشد (لاوینا و گالتی^۱، ۲۰۱۴). نوجوانی رهایی از وابستگی‌های کودکانه به والدین و بزرگسالان و دستیابی به استقلال و خودکفایی در عرصه‌های گوناگون زندگی است (سید فاطمی، رحمانی، برادران رضایی و صداقت، ۱۳۸۸). نوجوانی زمانی است که افراد از والدین خود دوری می‌کنند، هویت خود را گسترش می‌دهند و مسئولیت‌های جدید می‌پذیرند. در این دوره تکلیف استقلال عاطفی اجتناب‌ناپذیر است (پارا و الیوا، ۲۰۰۹). بدون شک نوجوان در مسیر رشد از افراد بسیاری اثر می‌پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه آن‌هایی که اطراف او هستند و به نحوی در او اثر دارند مدل و الگوی نوجوانند. پدر، یکی از این الگوهای مؤثر است که موجب ادراک بالغانه‌تر و واقعی‌تر نوجوان از والدین خود و نقش‌های خود می‌شود. از آن جایی که در رابطه با تأثیر والدگری پدر و استقلال عاطفی فرزند در ایران پژوهشی به چشم نمی‌خورد؛ و این حقیقت که نبود استقلال عاطفی می‌تواند در آینده شغلی، زناشویی و تحصیلی نوجوان مشکلاتی به بار آورد (هاسکینز^۲، ۲۰۱۴). هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین والدگری پدر با استقلال عاطفی فرزند بود. نتایج تحلیل همبستگی کانونی نشان داد که تنها یک مجموعه معنادار از متغیرهای مستقل و وابسته در داده‌ها وجود دارد که بر طبق آن هرچه پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر بیشتر بوده و حضور منفی او کمتر باشد فرزند به فردیت و غیر ایده‌ال بودن

1. Lalentina & Gulati
2. Hoskins

بیشتری که از معیارهای اساسی استقلال عاطفی است دست پیدا خواهد کرد. غیر ایدآل بودن اشاره به این مطلب دارد که نوجوان دیگر پدر خود را به عنوان فردی ایده‌آل که همیشه باید کارها را انجام دهد در نظر نمی‌گیرد و به این نتیجه می‌رسد که خود می‌تواند کارها را بدون همراهی پدر یا افراد دیگر انجام دهد. به عبارت دیگر، نوجوانی که به غیر ایده‌آل بودن رسیده است مسئولیت رفتارهای خویش را می‌پذیرد و می‌داند که پدرش وظایف و رفتارهای مخصوص و جدا از رفتارهای او دارد. همچنین فردیت به معنی این است که نوجوان خود را به عنوان فردی مستقل در نظر می‌گیرد. این نوجوانان به نوعی خودآگاهی می‌رسند و مشخصه‌های فردی و متفاوت‌شان را درک می‌کنند آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که در آینده رفتارهایی متفاوت از رفتارهای پدرشان در قلمروهای مختلف زندگی خواهند داشت. به عبارت دیگر نوجوان آگاه می‌شود که والدینش و او کاملاً جدا از هم می‌باشند (پارا و الیوا، ۲۰۰۹؛ پیرز^۲ و همکاران، ۲۰۰۵) در این راستا، به نظر می‌رسد زمانی که پدر نوجوان را در تصمیم‌گیرهای مهم دخیل می‌کند و در پاره‌ای موارد به او حق انتخاب می‌دهد و کلیه مسئولیت‌ها را برعهده نوجوان می‌گذارد و به عبارت دیگر، والدگری مثبتی دارد این امر زمینه را برای فردیت و غیرایده‌آل بودن هرچه بیشتر نوجوان که از ستون‌های استقلال عاطفی است فراهم می‌سازد زیرا که چنین رفتارهای باعث می‌شود معرف‌های ذهنی نوجوان از رفتارهای کودکی زودوده شود و او به شکلی کاملاً مستقل گام در دنیای بزرگسالی و استقلال بگذارد. این یافته منطبق با پژوهش‌های پارا، الیوا و سانچز (۲۰۱۵)، آلن و همکارانش (۱۹۹۶)، دلانی (۱۹۹۶)، لامبورن و استنبرگ (۱۹۹۳)، جونز و همکاران (۲۰۰۳)، شیلدز (۲۰۰۳) و موجان و وایچان (۲۰۱۱) می‌باشد.

در قلمرو نظری، یافته پژوهش حاضر منطبق با نظریه لکان^۳ می‌باشد. لکان چگونگی تأثیر پدر بر فردیت و غیر ایده‌آل بودن نوجوان را این گونه توضیح می‌دهد که پدر نوجوان را از دنیای خیالی و فور کودکانه به جهان نمادین فقدان پرتاب می‌کند. در واقع،

1. parra & Oliva
2. Beyers
3. lacan

پدر حلقه آمیختگی فرزند و مادر را با حضور خود می‌شکافد و فضای نمادین را در ذهن نوجوان فراهم می‌آورد و او را از وارهانیدن در عالم خیال نجات می‌دهد. بنابراین حضور پدر سمبولیک برای روان کودک لازم بوده و او را از وابستگی به روان مادر نجات داده و زمینه استقلال وی را فراهم می‌آورد. در این راستا بلاس (۱۹۶۷)، معتقد است نوجوانی دوره‌ای است که در آن فرآیند جدایی-تفرد درون روانی بار دیگر فعال می‌شود و زمانی که پدر با ایفای نقش فعال و پاسخ‌دهی هیجانی مناسب پاسخ‌گوی نیازهای نوجوان است روابط والد-فرزند دوباره حل و فصل می‌شود. به عبارت دیگر، درحالی که نوجوان وابستگی خود را نسبت به والدین در این دوره پایان می‌دهد همچنان رابطه خود را با آنها حفظ می‌نماید و بدین ترتیب نوجوان در تعامل مستقیم با پدر خویش به استقلال در رابطه می‌رسد.

محدود بودن جامعه آماری به شهر بهارستان، یک مقطع تحصیلی، و همچنین یک مقطع زمانی از جمله محدودیت‌هایی هستند که هنگام تعمیم‌دهی نتایج باید مورد توجه قرار گیرند. همچنین، ابزار جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه‌هایی از نوع خودگزارشی بوده است. پاسخ به این پرسشنامه‌ها گاهی با سوگیری پاسخ‌های دانش‌آموز همراه می‌شود که این امر باید در تبیین نتایج مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادات

بر پایه پژوهش حاضر، پدر می‌تواند با بکارگیری پیشنهادات زیر فرایند شکل‌گیری استقلال عاطفی در نوجوان را تسهیل ببخشد:

◀ شنونده‌ای فعال باشد. پدر باید قادر به شنیدن تمامی حس‌های مثبت و منفی نوجوان باشد و بتواند راجع به آنها با فرزند خود به گفتگو بنشیند. این امر زمینه صمیمیت میان والد و فرزند را فراهم می‌کند و نیز به والد کمک می‌کند تا نوجوان را بهتر درک کرده و به نیازهای ویژه این دوره نوجوان بهتر پاسخ دهد.

◀ نوجوان را در تصمیم‌های مهم سهیم سازد و از این طریق به او نشان دهد که نظرش دارای اهمیت است. به او حق انتخاب دهد و به انتخاب او احترام بگذارد. انتظاراتی روشن و منطقی از نوجوان داشته باشد و در ارتباط با آن‌ها با نوجوان صحبت کند.

منابع

- برجعی، احمد (۱۳۸۴). *تحول شخصیت در نوجوان*. تهران: انتشارات ورای دانش.
- دادستان، پ. (۱۳۸۰). *روانشناسی مرضی تحولی* (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.
- دادستان، پ؛ حق بین، م؛ بزازیان، س؛ و توکلی، م. (۱۳۸۳). جدایی روانشناختی از والدین و پیشرفت تحصیلی؛ یک پژوهش درباره تفاوت‌های جنسی و فرهنگی. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱ (۱): ۲۰-۳.
- سامانی، س. (۱۳۸۵). مقایسه میزان دل‌بستگی به پدر، مادر و دوستان در گروهی از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵ (۴): ۹۹-۱۱۱.
- سید فاطمی، ن؛ رحمانی، ف؛ برادران رضایی، م؛ و صداقت، ک. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان استقلال دانش‌آموزان نوجوان مدارس شهر تبریز. *نشریه پرستاری ایران*، ۶۲، ۸۴-۷۵.
- فامینی، م. (۱۳۹۱). نقش ادراک فرد از والدگری پدر در میزان جدایی‌فردیت با در نظر گرفتن سبک دل‌بستگی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- قلاوندی، ح؛ امانی ساری بگلو، ج؛ بابایی سنگلجی، م. (۱۳۹۱). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی در میان دانش‌آموزان، *فصلنامه اندیشه‌های نویت تربیتی*، ۸ (۴): ۲۷-۹.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۱). *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*، تهران: انتشارات پارسا.
- موللی، کرامت. (۱۳۸۳). *مبانی روانکاوی فروید-لکان*. تهران: نشر نی.

- Abelin, E. (1975) Some further observations and comments on the earliest role of the father. *International Journal of Psychoanalysis*, 56, 293–302.
- Beyers, W., & Goossens, L. (2002). Developmental trajectories of psychological separation and adjustment to university: A 3 wave longitudinal study. Poster session presented at the 8 th Biennial Conference of the European Association for Research of Adolescence (EARA), Oxford, UK.
- Beyers, B; Goossens, L. (1999) Emotional autonomy, psychosocial adjustment and parenting: interactions, moderating and mediating effects, *Journal of Adolescence* 1999, 22, 753-769
- Beyers, W., Goossens, L., Van Calster, B., & Duriez, B. (2005). An alternative substantive factor structure of the Emotional Autonomy Scale. *European Journal of Psychological Assessment*, 21(3):147–155
- Blos, P. (1967). The second individuation process of adolescence. *Psychoanalytic Study of the Child*, 22, 162-186.
- Boles, S. A. (1999). A Model of Parental Representations, Second Individuation, and Psychological Adjustment in Late Adolescence. *Journal of Clinical Psychology*. 55(4): 497-512.
- Dick, G., (2004). The fatherhood scale. *Research on social work practice*. 80-94.
- Etchegoen, A.(2002). Psychoanalytic ideas about father. In J. Trowell, and A. Ethegoyen (Eds), *The importance of father: a psychoanalytic reevaluation*. 20-41. Burunner/routledge
- Fleming, M. (2005). Adolescent Autonomy: Desire, Achievement and Disobeying Parents between Early and Late Adolescence, *Australian Journal of Education and Developmental Psychology*, 5, 1-16.
- Flouri, E. (2005). *Fathering and child outcomes*. New York: John Wiley & Sons.
- Frank, S. J., Pirsch, L. A., & Wright V. C. (1990). Late adolescents' perceptions of their relationships with their parents: Relationships among de idealization, autonomy, relatedness, and insecurity and implications for adolescent adjustment and ego identity status. *Journal of Youth and Adolescence*, 19, 571-588.
- Hoffman, J. A. (1984). Psychological separation of late adolescents from their parents. *Journal of Counseling Psychology*, 31, 170-178.
- Hoskins, D.H. (2014). Consequences of Parenting on Adolescent Outcomes, *Journal of societies*, 4, 506–53
- Lamborn, S. D., & Steinberg, L. (1993). Emotional autonomy redux: Revisiting Ryan and Lynch. *Child Development*, 64, 483-499.
- Lamb, M. E., & Tamis-LeMonda, C. S. (1997). Fathers & child development: an introductory overview and guid. In M. E. lamb (Eds.), *the role of*

- father in child development. 3th ed. (pp. 1-18). New York: Wiley & sons, Inc.
- Kroger, J. (2004). Intrapyschic dimensions of identity during late adolescence. In G. R. Adams, T.P. Gullotta, & R. Montemayor (Eds.), *Adolescent identity formation* (pp.122-145). Newbury Park, CA: Sage.
- Kroger, J. (1985). Separation –individuation and ego identity status in New Zealand university students. *Journal of youth and adolescence*, 14, 133-147.
- Mahler, M. S., Pine, F., & Bergman, A. (1975). *The Psychological and Birth of the Human Infant*. New York: Basic Books.
- Mahler, M. S. (1974). Symbiosis and Individuation—The Psychological Birth of the Human Infant. *Psychoanalytic Study of the Child*, 29, 89-106.
- parra, P; Oliva, A. (2009). A Longitudinal Research on the Development of Emotional Autonomy During Adolescence, *The Spanish Journal of Psychology* 1: 66-75.
- Plantin, L., Olukoya, A.A., & Ny, P. (2011). Positive Health Outcomes of Fathers' Involvement in Pregnancy and Childbirth Paternal Support: A Scope Study Literature Review. *Fathering*, 9(1), 87-102.
- Ryan, R. M., & Lynch, J. H. (1989). Emotional autonomy versus detachment: Revisiting the vicissitudes of adolescence and young adulthood. *Child Development*, 60, 340-356.
- Ryan, R. M., Deci, E. L., & Grolnick, W. S. (1995). Autonomy, relatedness, and the self: Their relation to development and psychopathology. In D. Cicchetti & D. J. Cohen (Eds.). *Developmental psychopathology: Volume 1: Theory and methods* (pp. 618-655). New York: Wiley.
- Sieber, D. (2008). Engaging absent fathers in treatment of children. *Clinical social work journal*, 3 (4): 333-340.
- Stalman h. m. & Ralph, a. (2007). Reducing risk factors adolescent behavioral & emotional problems: a pilot randomized controlled trial of a self-administered parenting intervention. *Australian e- journal for the adveancement of mental health*, 6(2):1-13.
- Shields, M.W. (2003). Perception of father, father absence /presence, & separation individuation in late adolescence. Unpublished Ph. D. Dissertation, faculty of fielding Graduate Institute.
- Tabachnick, B.G. & Fidell, L.S. (2007). *Using Multivariate statistics* (5th edn). Boston: Pearson Education.
- Valentina, Laitonjam and Gulati, Jatinder (2014). Gender differences in emotional autonomy profile among adolescents. *Asian J. Home Sci.*, 9 (1) : 54-59.

- Wai Chan, K. , Mui Chan, S. (2009). Emotional autonomy and perceived parenting styles: relational analysis in the Hong Kong cultural context. *Asia Pacific Educ.*,10,433-443.
- Wai Chan, k. , Mui Chan, S.(2011). Adolescents' Susceptibility to Peer Pressure: Relations to Parent -Adolescent Relationship and Adolescents' Emotional Autonomy From Parents. *Youth Society* published online.1-17.

Archive of SID